

معاونت در جرم

تقریرات درس

استاد: آیت الله محمدحسن مرعشی
مدرسه عالی شهید مطهری
دوره دکترای جزاء

بخش اول : معاونت در جرم در فقه اسلامی

تعریف لغوی معاونت در جرم

عون در لغت به معنای کمک کردن آمده است همان طور که در مجمع البحرین آمده است: العون: الظهیر علی الامر و الجمع اعوان^۱. و نیز علامه ابن منظور در لسان العرب چنین معنا کرده است: العون الظهیر علی الامر و الواحد و الاپنان و المع و المژنپ فیہ سوا، و قدیحکی سی نکسیره اعوان^۲.

بنابر تعریف لغوی معنای معاونت در جرم همان کمک کردن مجرم در عمل مجرمانه اوست.

۱- مجمع البحرین، ج ۶، ص ۲۸۵.

۲- لسان العرب، ج ۱۳، ص ۲۹۸.

تعریف اصطلاحی معاونت در جرم

در میان فقها برخی از ایشان معاونت در جرم را تعریف نموده اند که ذیلاً^۳ به بعضی اشاره می‌نماییم:

۱- مرحوم شیخ انصاری در مکاسب محرمة می‌فرماید:

ان الاعانة هو فعل بعض مقدمات فعل الغير بقصد حصوله منه لا مطلقاً^۳.

معاونت عبارت است از انجام دادن برخی از مقدمات فعل حرام به قصد ایجاد آن حرام، نه مطلق انجام دادن آن مقدمات.

۲- مرحوم میرزای نایینی در کتاب المكاسب و البيع معاونت را این گونه تعریف نموده اند:

ان مفهوم الاعانة عبارة عن فعل ما يتمكن به الغير من ايجاد ما هو مطلوبه...
كمناولة السوط للظلم^۴.

معاونت عبارت است از هر عملی که توسط آن شخصی دیگر را یاری نموده و او را در رسیدن به هدفش قادر سازد مثل دادن شلاق به شخص ظالم.

۳- مرحوم محقق اردبیلی در آیات الاحکام در مورد معاونت در جرم در آیه کریمه ولا تعاونوا على الاثم والعدوان می‌فرماید: الظاهران المراد الاعانة على المعاصي مع القصد او على الوجه الذي يصدق انها اعانة مثل ان يطلب الظالم العصامن شخص لضرب مظلوم فيعطيه اياه او يطلب القلم لكتابة ظلم فيعطيه اياه و نحو ذلك مما بعدمعونة عرفاً^۵.

مرحوم محقق اردبیلی چنین فرموده اند: مراد از اعانة بر اثم در آیه کریمه کمک کردن بر انجام معاصی است به همراه قصد یا بنابر صورتی که صدق کند که این عمل کمک کردن بر اثم است مثل این که شخص ظالمی چوبی را از شخصی طلب کند به جهت کتک زدن مظلومی، و شخص چوب را بدست او بدهد، یا این که

۳- مکاسب، شیخ انصاری (ره)، ص ۱۷.

۴- المكاسب و البيع، میرزای نایینی (ره)، ج ۱، ص ۲۹.

۵- آیات الاحکام، محقق اردبیلی.

طلب کند قلمی را به جهت نوشتن فرمان ظالمانه ای و شخص هم قلم را به او بدهد و امثال این موارد که عرفاً "صدق معاونت از نظر عرف خواهد کرد.

۴- مرحوم میرزا حسن بجنوردی در قواعد الفقهیه معاونت را به صورت ذیل تعریف نموده اند:

اما الاعانة فهى لغة بمعنى المساعدة و اعانة على ذلك اى ساعده عليه و المعين و المعاون: الانسان هو المساعد له فى فعله و اشغاله... فالمراد من الاعانة على الاثم: مساعدة الاثم فى الاثم الذى يصدر منه و ذلك بايجاد جميع مقدمات الحرام الذى يرتكبه او بعضيها.^۶

اعانت از نظر لغت به معنای کمک کردن آمده است... مراد از اعانة بر اثم کمک کردن گنه کار است در گناهی که از وی صادر می‌شود و آن هم به وسیله ایجاد جمیع یا بعض مقدمات حرامی که مباشر مرتکب آن می‌شود.

پس از نقل اقوال، معاونت در جرم را بنابر نظر فقهای عظام می‌توان چنین تعریف نمود: اگر شخصی هیچ مداخله ای در عملیات اجرایی سازنده جرم نداشته بلکه نقش او فرعی و تبعی و به اموری چون تهیه مقدمات جرم یا تشویق و ترغیب مرتکب جرم باشد، معاون جرم محسوب می‌شود.

حکم معاونت در جرم در فقه اسلامی

فقها عظام شیعه به طور اتفاق فتوی به حرمت معاونت در جرم داده اند. بر همین اساس قبل از تعرض به اقوال ایشان وارد ادله حرمت اعانة در جرم می‌شویم:

تذکر این نکته لازم است که جرم در فقه اسلامی همان اثم و گناه به حساب می‌آید گرچه طبق نظر حقوقدانان هر عملی است که مقنن برای آن مجازات تعیین کرده باشد، بنابر این بحث ما در کلام فقها پیرامون مطلق اعانة بر اثم است.

دلیل اول: آیه کریمه ۳ در سوره مائده است که خداوند متعال می‌فرماید:

"تعاونوا على البر والتقوى و لا تعاونوا على اثم و العدوان"

بر عمل نیکو و برخاسته از نیت خالص برای خدا کمک کنید و بر گناه و تجاوز و ظلم کمک ننمایید.

بر عمل نیکو و برخاسته از نیت خالص برای خدا کمک کنید و بر گناه و تجاوز و ظلم کمک ننمایید.

دلالت بخش دوم آیه کریمه بر حرمت معاونت در جرم و گناه روشن است و محتاج به توضیح نیست. اگر اشکال شود که دلالت آیه کریمه بر مطلب بدین صورت که در آیه لفظ تعاون بکار رفته است نه لفظ معاونت و نمی‌تواند دلیل بر حرمت اعانه باشد زیرا تعاون طرفینی است و اعانه یک طرفی است.

پاسخ می‌گوییم: امر خداوند متعال به تعاون بر نیکی و تقوی و همین طور نهی باری تعالی از کمک بر اثم و عدوان به اعتبار فعل واحد و قضیه واحده و واقعه واحده نیست بلکه خطاب به عموم مومنین و مومنات است که کمک کننده خیر باشید و تسهیل کننده و کمک رساننده به عمل شر و بد نباشید. و انصاف مطلب این است که در آیه کریمه قصوری نسبت به رساندن حرمت اعانه بر اثم و ظلم مشاهده نمی‌شود.^۷

مراد از اثم در آیه کریمه، مطلق گناه است اعم از صغیره و کبیره آن، بنابراین جرایم هم که بر طبق نظر فقهای اسلام از اقسام گناه محسوب می‌شوند نیز داخل در بحث حرمت اعانه قرار می‌گیرند.

مرحوم نراقی می‌فرماید: این آیه کریمه دلالت دارد بر حرمت معاونت بر هر چیز که گناه محسوب می‌شود و تجاوز و ظلم شمرده شده است.

از طرف دیگر علاوه بر آیه کریمه روایات مستفیضه مبنی بر حرمت اعانه بر اثم وجود دارد و نیز به عنوان دلیل آخر اجماع علماء مسلمین بر حرمت اعانه بر اثم تحقق یافته است. بنابراین، با توجه به میرهن بودن حرمت اعانه بر اثم باید سراغ تعیین مصادیق آن رفت و شرایط تحقق معاونت را بر شمرده^۸.

۷- قواعد الفقهیه، میرزا حسن بجنوردی، ج ۱، ص ۳۰۵.

۸- عواید الایام، مولی احمد نراقی، ص ۲۶.

دلیل دوم: قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است که فرموده اند:

من اعان علی قتل مسلم ولو بشرط كلمة جاء يوم القيامة مكتوبا" بین عینیه آیس من رحمة الله^۹.

کسی که کمک کند فردی را بر کشتن انسان مسلمانی ولو به یک کلمه باشد محشور می‌شود در روز قیامت در حالی که نوشته شده است بین دو چشم او (پیشانی‌اش) که مایوس از رحمت خداوند متعال است.

استدلال به این روایت بر حرمت اعانة بر اثم بدین صورت است که: شکی نیست در این مطلب که قتل مسلمان گناه است و وعید به مایوس بودن از رحمة خداوند منان دلالت دارد که چنین عملی حرام است.

اگر اشکال شود که کمک کردن به قتل مسلمان فی نفسه حرمت دارد نه از این حیث که صدق اعانة بر اثم می‌کند، در جواب می‌گوییم در روایت منع از اعانة بر قتل مسلمان وارد شده است زیرا که کشتن مسلمان گناه بزرگی است بنابراین حرمت اعانة بر قتل، حرمت اعانة بر اثم عظیم هم هست.

دلیل سوم: در کافی از امام صادق علیه السلام روایت شده است که حضرت قول پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را ضیق نقل فرموده اند:

"من اكل الطين فمات فقد اعان علی نفسه"^{۱۰}

کسی که خاک بخورد و پس از آن بمیرد بر علیه نفس خویش کمک کرده (اقدام نموده است).

از این روایت می‌توان فهمید که حضرت حرمت اعانة علی النفس را مفروغ دانسته اند و مستوجب عقاب شمرده اند و در این روایت حضرت خاک خوردن را از مصادیق آن برشمرده اند که انسان باید چنین اعانتی را ترک کند زیرا مستوجب عقاب خواهد بود.

۹- سنن کبری، ج ۸، ص ۲۲.

۱۰- کافی، مرحوم کلینی.

البته می‌توان گفت حضرت در صدد ارشاد کسی که خاک می‌خورد بوده اند و اینکه شخص عاقل چنین عملی که موجب هلاکت او می‌شود انجام نخواهد داد.

از طرف دیگر می‌توان گفت بحث اعانة بر اثم دایره اش اعانة شخصی است نسبت به شخص دیگر والا اگر شخص خاک بخورد خود فاعل چنین جرمی است و فی نفسه خاک خوردن حرام است نه از جهت کمک به دیگری. که با این فرض این روایت از ادله حرمت اعانة بر اثم خارج می‌شود.

دلیل چهارم: اخباری است که در حرمت کمک کردن ظالمین در ظلمشان وارد شده است که این اخبار کثیره است که باب مخصوص در وسایل و مستدرک الوسایل دارد که لازم به ذکر نیست^{۱۱}.

دلیل پنجم: از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت در پاسخ سوال کننده ای چنین فرموده اند:

جابر می‌فرماید از امام صادق علیه السلام سوال کردم در مورد شخصی که خانه اش را اجاره می‌دهد و در آن خانه خرید و فروش خمر صورت می‌گیرد. حضرت فرمودند: حرام اجرة^{۱۲}.

مستفاد از این روایت این است که اگر اجاره دادن (کمک به مستاجر) حرام نباشد دلیلی برای حرام بودن اجرت نخواهد بود، مسلم این است که حرمت اجاره دادن علت حرمت اجرة است.

دلیل ششم: ما رواه الكلینی باسناده عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال: لعن رسول الله صلى الله عليه وآله وسلم في الخمر عشرة، غارسها و حارسها و عاصرها و شاربها و ساقیها و حاملها و المحمولة اليه و بايعها و مشتريها و آكل ثمنها^{۱۳}.

می‌توان گفت تقریب استدلال به این روایت نسبت به حرمت اعانة بر اثم

۱۱- وسایل الشیعه، مستدرک الوسایل، شیخ حر عاملی، مرحوم مدرس.

۱۲- وسایل الشیعه، شیخ حر عاملی.

۱۳- کافی، کلینی.

چنین است که غیر از شارب خمر از این ده گروهی که مورد لعن پیامبر (ص) قرار گرفته اند بدین جهت مورد لعن واقع شده اند که کمک بر اثم کرده اند و گرنه چرا حامل خمر لعنت شود و چرا باغبانی انگور حرام باشد.

مرحوم میرزا حسن بجنوردی در انتهای روایات خاصه می‌فرمایند:

انصاف این است که یک فقیه از مجموع این اخبار متفرقه در ابواب مختلف چنین استظهار می‌کند که اعانة بر اثم خصوصا" در معاصی کبیره حرام است و محتاج به دلیل زاید هم نیستیم^{۱۴}.

دلیل هفتم: عقل حاکم است به قبح کمک کردن شخص بر انجام عملی که میغوض مولی است و آنچه که در آن مفسده نهفته است. شکی نیست همان طور که عقل مستقل است به قبح مخالفت مولی و انجام آنچه که میغوض است نزد او، همان گونه نیز مستقل بر قبح مساعده غیر نسبت به انجام آن میغوض توسط شخص دیگر است.

دلیل هشتم: اجماع فقها بر حرمت معاونت بر اثم محقق شده است، دلیل بر تحقق این اجماع هم روش فقها عظام است زیرا ایشان بعضی از افعال را حرام داشته اند به دلیل آنکه اعانت بر اثم شمرده شده است و حال آنکه حرمت اعانة بر اثم را از مسایل مسلم دانسته اند.

لیکن به نظر می‌رسد چنین اجماعی که مدارک عقلیه و نیز مدارک نقلیه اعم از آیات و روایات دارد نمی‌تواند از اقسام اجماع مصطلح در فقه باشد و مدرکی خواهد بود بنابراین از جهت ساقط است.

شرایط محقق عنوان اعانة بر اثم

شرط اول: علم و اطلاع معین

آیا صرف علم و اطلاع معین نسبت به این که در صورت کمک کردن معان مرتکب معصیت و جرم می‌شود در تحقق جرم کفایت می‌کند که در این صورت اگر

شخص جاهل به ارتکاب معصیت توسط معصیت کار او را کمک کند عملش جرم محسوب نخواهد شد؟

عده ای از فقها از قبیل شیخ طوسی، علامه، محقق اردبیل، صاحب حدایق و صاحب ریاض و حضرت امام قدس سره الشریف برای تحقق معاونت صرف علم و اطلاع را کافی می‌دانند اعم از آن که معاون از انجام مقدمات حرام قصد اعانت نیز داشته باشد یا خیر و اعم از آن که فعل مجرمانه معان واقع گردد یا نه.

این دسته از فقها برای توجیه فتوای خویش به عموم آیه ولاتعاونوا علی الاثم و العدوان تمسک کرده اند و نیز به اطلاق روایات وارده در باب خاصه ای نیز توسل جسته اند از قبیل:

۱- روایت عمر ابن اذینه از امام صادق علیه السلام^{۱۵}:

کتبت الی ابی عبدالله اسأله عن رجل له خشب فباعه ممن یتخذ صلیبانا قال: لا.

یعنی به امام صادق علیه السلام نامه نوشتم و در مورد شخصی که چوب دارد و آنها را به کسی می‌فروشد که از آن صلیب درست می‌کند، حکم مسأله را سوال نمودم امام علیه السلام فرمودند: خیر چنین عملی انجام ندهد.

از این روایت مستفاد است که علم و اطلاع نسبت به صلیب ساختن از چوب ها در حرمت اعانة بر چنین عملی کفایت می‌کند.

۲- روایت عمرو بن حریث از امام صادق علیه السلام^{۱۶}:

... عن التوت ایبیهه ممن یصنع الصلیب او الصنم؟ قال لا.

یعنی از امام صادق علیه السلام در مورد فروختن درخت توتی به کسی که صلیب یا بت می‌سازد سوال کردم. حضرت فرمودند جایز نیست.

مستفاد از این روایت هم این است که صرف علم معین در حرمت اعانة کفایت می‌کند ولو این که قاصد الی تحقق المعصیته هم نباشد.

۱۵- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۲۷، روایت ۱.

۱۶- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج ۱۲، ص ۱۲۷، روایت ۲.

۱۷- تحریر الوسیله، روح الله الموسوی الخمینی، ج ۱، ص ۴۹۶، مسأله ۱۰.

حضرت امام قدس سره الشریف می‌فرمایند:

و كذا بيع العنب و استمرو الخشب لمن يعلم انه بعمل خمرا" و آلة للقمار و البرابط و اجارة المساكن لمن يعلم انه يعمل فيها ما ذكر او يبيعها و امثال ذلك في وجه قوى - والمسألة من جهت النصوص مشكلة جدا" والظاهر انها معلة^{۱۷}.

امام خمینی می‌فرماید: اگر کسی خرما یا انگور و یا چوب بفروشد به کسی که می‌داند خمر و یا آلت قمار و موسیقی خواهد کرد عملش حرام است چون ادله حرمت اعانة بر اثم آنرا می‌گیرد.

اگرچه حضرت امام قدس سره الشریف در انتها در دلالت نصوص و قوت سندی آن مشکل دارند ولیکن فتوای ایشان حرام بودن چنین عملی را می‌رساند.

شرط دوم: قصد معین نسبت به رسیدن به هدف شخص معان

اگر کمک کننده عالم نبوده است که گنه کار، (مجرم) قصد انجام عمل حرامی را دارد نمی‌توان عمل معین را که قاصد نسبت به ارتکاب حرام از طرف معان نمی‌باشد، حرام دانست و جرم بحساب آورد و اگر هم عالم بوده ولی قصد چنین عمل حرامی را از طرف معان نداشته باز حرمت نخواهد داشت.

مرحوم شیخ انصاری در کتاب مکاسب در مسأله بیع العنب لمن يعلم انه يعمل خمرا" می‌فرماید یکی از ادله حرمت چنین معامله ای نفس حرمت اعانة بر اثم است. در این استدلال برخی فقها مناقشه کرده اند مبنی بر این که در این مورد اعانة صدق نمی‌کند. چرا؟ زیرا نو مسأله محل بحث است.

۱- کسی که انگور می‌فروشد به مشتری که شراب می‌سازد قاصد است که مشتری برود و انگور را تخمیر کند در این صورت اعانة بر اثم صدق می‌کند و مسلم حرام است.

۲- کسی که انگور به مشتری می‌فروشد قاصد نسبت به تخمیر آن توسط مشتری نیست یعنی بیعش بدین قصد صورت نگرفته است. در این تصویر برخی از فقها تشکیک نموده اند که عمل فروشنده صدق معاونت کرده و حکما" هم حرام باشد.

اولین کسی که این اشکال را مطرح نموده است مرحوم محقق ثانی در حاشیه شرح ارشاد بوده است. با تکیه بر این سخن مرحوم محقق هرگاه کسی معصیت کار را کمک کرد ولی قصد آن معصیت را ننموده هر چند که می‌داند او چنین عمل حرامی را مرتکب خواهد شد، عمل او از مصادیق اعانت بر اثم محسوب نمی‌شود و حرام نخواهد بود.

مرحوم محقق کرکی می‌فرماید: در این فرض ثانی اصلاً "صدق معاونت نخواهد کرد.

مرحوم محقق اردبیلی در آیات الاحکام می‌فرماید:

در برخی از موارد برای صدق اعانة بر اثم قصد لازم داریم و در برخی موارد دیگر قصد لازم نیست بلکه اگر عرفاً "اعانة بر اثم بر عمل او صدق کند کافی است هر چند که قاصد نباشد، در بعض موارد هم صدق اعانت بر اثم مشکوک است. به عنوان مثال، اگر تاجر می‌داند که در تجارت باید حقوق گمرکی را پرداخت نماید، حال اگر پرداخت نکند صدق اعانت بر اثم بر عمل این فرد مشکوک است.

دو مسأله قابل طرح است:

۱- اعانة بر اثم چه زمانی صدق می‌کند. طاعات فریضی

۲- چه زمانی مسئولیت دارد و عمل او حرام خواهد بود.

افعالی که از افراد صادر می‌شوند یک دسته متقوم به قصد هستند مثل تعظیم و تکریم و غیره و دسته ای دیگر اموری هستند که متقوم به قصد نیستند مثل ضرب، خوردن، آشامیدن که از امور حقیقیه و واقعیه هستند. گاهی انسان در انجام این دسته از افعال معذور است و گاهی معذور نیست. این معذوریت یا عدم آن دخالتی در اصل عنوان ندارد. می‌توان گفت معاونت از امور واقعیه هست و قصد در حقیقت اعانة دخالت ندارد، اگر عرف بگوید اعانة است پس اعانت محسوب می‌شود حال چه قصد کند و چه قصد نکند.

بنابه نظر مرحوم امام قدس سره الشریف در مکاسب محرمة، قصد در صدق مفهوم اعانة بر اثم دخالت دارد:

اعانة شخص بر چیزی عبارت است از مساعدت و کمک فاعل بر آن چیز و آن در وقتی صدق می‌کند که معین بخواهد او را در رسیدن به آن چیز کمک کند و این مطلب وقتی محقق می‌گردد که معین قصد آنرا داشته باشد. بنابراین، اگر کسی بخواهد مسجدی را بسازد تمام کسانی که او را در ساختن مسجد کمک کنند معاون محسوب می‌شوند و درباره او گفته می‌شود ساعده علیه و اعانه علی بناء المسجد، اما کسانی که به او آجر و سایر ابزار ساختمان را می‌فروشند در صورتی که بیع آنان برای مقاصد شخصی و دواعی نفسانی خودشان باشد، مساعد و معاون او در بناء مسجد محسوب نمی‌شوند هر چند بدانند که خرید از آنان برای ساختن مسجد است.^{۱۸}

به نظر نگارنده این استدلال تمام نیست زیرا اعانة از عناوین قصدی و اعتباری نیست بلکه از عناوین واقعی است و این توهم از آنجا ناشی شده است که در امور خیریه مانند ساختن مسجد وقتی اعانة صدق می‌کند که شخص معین مجانا و تبرعا مالی را در اختیار بانیان مسجد و خیریه قرار دهند. اما اگر در مقابل آن وجهی دریافت کند نمی‌گویند به ساختن مسجد کمک کرده، مگر آنکه مبلغ کمتری در مقابل اخذ نماید.

مرحوم محقق ابروانی در حاشیه مکاسب می‌فرماید:

اعانة مطلق ایجاد مقدمه فعلی غیر نیست و گر نه لازم می‌آید که ازدواج حرام گردد زیرا هر کسی می‌داند که در اثر ازدواج فرزندان از او پدید می‌آید که گناه می‌کنند و فاسق می‌گردند، بلکه اعانت عبارت است از آنکه شخص دیگری را در انجام مقدمات فاعلی فعلش مساعدت و کمک کند نه مطلق مقدمات تا شامل مقدمات مادی فعل گردد و یا بالاتر از آن، شامل ایجاد نفس فاعل و یا حفظ حیا او بشود. این آماده ساختن موضوع فعل غیر، اعانة بر حرام محسوب می‌شود.

لازمه سخن ایشان این است که اعانة در جایی صدق کند و در جایی صدق نکند. به عنوان مثال، اگر ابزار ضرب و جرح را در اختیار او قرار دهد اعانة صدق می‌کند، ولی اگر پول در اختیار وی قرار دهد اعانة صدق نمی‌کند زیرا پول دامن از مقدمات فاعلی فعل محسوب نمی‌شود، در حالی که فرقی بین پول و چوب از حیث

مقدمیت بر طبق نظر عرف نیست و در هر دو مورد اعانت صدق می‌کند.

بر همین اساس است که امام صادق علیه السلام در پاسخ شخص سوال -
کننده ای می‌فرمایند:

"لولا ان بنی امیه وجدوا لهم من یکتب و یجبی لهم الفیبی و یقاتل عنهم و یشهد جماعتهم لماسلب ونا حقنا ولو ترکهم الناس و مافی ایدیهم ما وجدوا شیئا" الا ما وقع فی ایدیهم^{۱۹}. اگر افرادی نبودند که برای بنی امیه کمک کار باشند، نامه بنویسند و در جماعت آنان شرکت کنند، آنان نمی‌توانستند حق ما را ضایع کنند.

و عامه هم بر طبق روایتی از بیهقی فتوا بر حرمت چنین عملی می‌دهند:

بیهقی نقل می‌کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند هر کس دیگری را در قتل مومنی کمک کند هر چند که چیزی از کلمه باشد، خداوند را در روز قیامت ملاقات می‌کند در حالی که در پیشانی‌اش نوشته شده است آیس من رحمة الله^{۲۰}.

شرط سوم: وقوع جرم در خارج توسط معان

آیا وقوع جرم در خارج در صدق معاونت شرط است؟

برخی از فقها معتقدند جرم در خارج شرط لازم برای صدق معاونت جرم است. زیرا آنچه که از ظاهر آیه شریفه ولاتعاونوا علی الائم والعدوان مستفاد است این است که معاونت متوقف بر تحقق خارجی جرم است. اگر جرم در خارج واقع نشود و فاعل فقط برخی از مقدمات جرم را انجام دهد و سپس جرم عقیم بماند، معاونت در جرم صادق نخواهد بود. اگر جرمی واقع نشود تنها توهم معاونت شده است و توهم معاونت هم معاونت در جرم نیست.

بر این اساس است که بیان کرده ایم برخی از حقوقدانان معتقدند که معاونت در جرم، جرم مستعار است. طبق این نظریه معاون جرم از مجرم اصلی یا مباشر

۱۹- سنن کبری، ج ۸، ص ۲۲.

۲۰- حقوق جنایی، دکتر علی آبادی، ج ۱، ص ۲۶۳.

جرم، استعاره مجرمیت می‌کند^{۲۱}. بنابر این نظر اگر جرم عقیم بماند مباشر جرم مجرم نیست و معاونت در جرم هم صادق نیست.

به هر حال، با عدم وقوع جرم عمل ارتكابی تجری محسوب می‌شود نه معاونت در جرم. بنابراین، اگر کسی بداند که شخص دیگری قصد ارتكاب جرم دارد، صرف علم و اطلاع او معاونت در جرم نخواهد بود چه برسد به اینکه جرم هم در خارج محقق نشود.

برخی دیگر از فقها معتقدند که تحقق معاونت در جرم در خارج متوقف بر تحقق خود جرم نیست. دلیل ایشان این است که گاهی جرم به معنای مصدری استعمال می‌شود و آن عبارت است از فعلی که از مجرم صادر می‌شود و گاهی به معنای اسم مصدری بکار می‌رود و مقصود از آن نتیجه کار است. اگر مقصود از معاونت در جرم، معاونت در کارهایی است که مجرم برای رسیدن به نتیجه مرتکب می‌شود نه خود نتیجه که همان معنای مصدری جرم است در این صورت معاونت صدق می‌کند و اگر مقصود معاونت بر نتیجه عمل مجرمانه است که همان معنای اسم مصدری جرم است در صورتی که جرم عقیم باشد معاونت در جرم تحقق نمی‌یابد.

نتیجه سخن دسته دوم این است که نفس فعل معاونت جرم مستقل محسوب می‌شود لیکن دسته اول معاونت در جرم را جرم مستعاری می‌دانند.

اشکال فقهای دسته دوم به فقهایی که معاونت در جرم را جرمی مستعار می‌دانند این است که اگر مرادتان نفس کارهای فیزیکی است پس صدق معاونت صحیح است و اگر مرادتان حصول نتیجه باشد پس معاونت صدق نمی‌کند.

برخی دیگر از حقوقدانان می‌فرمایند تحقق نتیجه شرط تحقق معاونت نیست بلکه فی نفسه خود معاونت جرمی مستقل است.

استدلال ایشان: در مجرم بودن هر کس لازم است شخصیت خطرناک او را مورد توجه قرار داد و چون چنین شخصی در انجام افعال مجرمانه ای که مجرم اصلی می‌خواسته انجام دهد او را کمک کرده است، هر چند به دلایلی جرم

عقیم مانده است، باید او را فردی خطرناک برای جامعه دانست و او را مجازات نمود.

به نظر نگارنده، حقوقدانان مکتب تحقیقی منظورشان از این بحث یک بحث اجتماعی است ولی در اصول اگر بحث می‌شود که عمل متجری قبح فعلی و یا فاعلی دارد و در نهایت خبث باطنی او را انتخاب نموده و او را از این حیث مستحق مذمت می‌دانند، یک بحثی عقلی است، بنابراین ربطی با یکدیگر ندارد.

مرحوم مولا احمد نراقی از آن دسته از فقهایی است که می‌فرماید باید فعلی اصلی جرم تحقق یابد تا معاونت صدق کند. ایشان صدق معاونت در جرم را متوقف بر چهار شرط نموده اند^{۲۲}:

۱- معاون اموری را که می‌تواند مقدمه حرامی باشد محقق سازد، مثل فروش انگور به شراب فروش و چوب به سازنده بت.

۲- علم و اطلاع معاون از این که فاعل اصلی از مقدمات فراهم شده در تحقق و تکمیل امر حرام استفاده خواهد کرد.

۳- مقصود معاون از انجام این مقدمات، تحقق فعل معان علیه باشد.

۴- فعل معان علیه توسط مرتکب در عالم خارج محقق شود.

در طرف مقابل مرحوم شیخ انصاری قرار دارد که ایشان به قول مرحوم ملا احمد نراقی اشکال وارد کرده اند و ضمن رد لزوم تحقق فعل اصلی می‌فرمایند: این قول محل تأمل است زیرا که حقیقت معاونت عبارت است از انجام برخی مقدمات به قصد حصول فعل اصلی اعم از آنکه واقعا در خارج واقع شود یا خیر. مضافاً همین که برخی مقدمات فعل حرام را به قصد رسیدن به آن انجام می‌دهد همین مقدار تحت عنوان اعانة و گناه قرار می‌گیرد و با فرض تحقق فعل اصلی مجازات متعدد، یکی بر عنوان اعانة و دیگری بر تحقق فعل اصلی اعمال نمی‌شود^{۲۳}.

بحثی در مقدمه واجب مطرح است: بعد از آن که گفتیم مقدمه واجب، واجب است، چه زمانی یک فعل متصف می‌شود به وجوب مقدمی؟

۲۲- مکاسب شیخ انصاری، ج ۲، ص ۶۴.

۲۳- رسائل، شیخ انصاری.

برخی معتقدند زمانی متصف می‌شود که فاعل فعل قصد توصل داشته باشد^{۲۴}.

برخی دیگر می‌فرمایند مقدمه وقتی متصف به وجوب می‌شود که ذی المقدمه بر آن مترتب شود، چه قصد توصل داشته باشد و چه نداشته باشد. یعنی مقدمه باید موصله باشد^{۲۵}.

دسته سومی از فقها هستند که می‌فرمایند برای اتصاف مقدمه به وجوب نه قصد لازم است و نه توصل بلکه مقدمه بماه‌ی هی مقدمه است، وقتی نصب سلم (نردبان) کرده اید، مقدمه را محقق کرده اید.

حال بحث معاونت: معاونت هم جزء مقدمات فعل حرام است، آیا در مقدمه حرام قصد توصل می‌خواهیم. قبلاً" بحث کرده ایم که در تحقق معاونت قصد لازم نیست. همین طور ترتب ذی المقدمه هم لازم نیست به عنوان مثال اگر کسی که می‌خواهد مرکز فساد درست کند، فردی به او برای ساختن آن مرکز پول دهد اگرچه آن مرکز ساخته نشود صدق معاونت خواهد کرد.

شرط چهارم: قصد معان نسبت به ارتکاب جرم

آیا در معاونت لازم است که معان واقعا" قصد ارتکاب فعل مجرمانه را داشته باشد؟

تردید نیست که زمانی فعل معین متصف به معاونت به جرم می‌گردد که معان قصد داشته باشد که مرتکب جرمی شود. بنابراین، اگر معین می‌داند که معان قصد ارتکاب جرم را ندارد، معاونت صادق نیست و اگر تصور نماید که معان چنین قصدی دارد و سپس معلوم گردد که چنین قصدی نداشته است، عمل او تجری محسوب می‌گردد و کاشف از سوء سریره و خبث باطنی معین خواهد بود که در آن صورت باید سراغ مبنای متخذ در بحث تجری برویم که آیا مستوجب مجازات است یا خیر؟

۲۴- مرحوم صاحب فصول.

۲۵- عوائد الایام، مولی احمد نراقی، ص ۲۷.

اگر معین احراز کند که معان قصد ارتکاب جرم را ندارد، معاونت در جرم تحقق پیدا نمی‌کند. مثال: اگر کسی اسلحه را بدست فردی بدهد که نگاه کند و به او تحویل دهد، اتفاقاً تیر خطایی از اسلحه او خارج می‌شود عمل شخصی که اسلحه را داده است معاونت در جرم خطایی می‌شود. و اگر مباشر جهل کلی نسبت به جنایت داشته باشد و شخص سبب علم داشته باشد به وقوع جنایت خطایی از جانب مباشر، معین قصاص می‌شود و معاونت صدق نمی‌کند زیرا سبب اقوی از مباشر می‌شود.

شرط پنجم: تحقق جرم متوقف بر خصوص عمل معین باشد

به عنوان مثال کسی اسلحه دارد و می‌خواهد جرمی را مرتکب شود و موقعی که معان می‌خواهد جرم را مرتکب شود شخص دیگری اسلحه دیگری به او می‌دهد. در این صورت آیا دهنده اسلحه اولی معاون جرم محسوب می‌شود یا خیر؟

برخی می‌گویند رجاء و امید در استفاده از اسلحه توسط فرد اول، او را متصف به صفت معاون خواهد کرد، لیکن برخی دیگر از فقها می‌فرمایند باید معین از اول بداند که معان از اسلحه او استفاده خواهد کرد و او هم استفاده بکند تا عمل اسلحه دهنده معاونت در جرم محسوب شود.

شرط ششم: علم معاون به اینکه با این اعانة، معان مرتکب جرم می‌شود

آیا شرط است که معین علم داشته باشد که با این اعانت و کمک او، معان مرتکب جرم می‌شود یا خیر؟

مرحوم نراقی: قصد شرط است، باید معاون در کمک خویش اراده کرده باشد که بر فعل از جرم اصلی مترتب گردد. زیرا عرف از لفظ اعانت چنین می‌فهمد که به جمیع ابزار و ادواتی که نزد او بوده کمکش کرده است. بنابراین، قصد هم شرط است در صدق عرفی و اصطلاحی آن زیرا تبادر به ذهن عرف چنین است و از طرف دیگر عدم صحت سلب هم موید این نظر است.

کلام ایشان مقبول نیست زیرا ممکن است عرف در جایی که قرینه نباشد

اعانت را صادق بداند و اگر گزینه موجود باشد اعانت را صادق نداند.

مرحوم محقق اردبیلی می‌فرماید:

ظاهر آن است که مراد از اعانة بر گناه، وقتی است که توأم با قصد بوده یا به نحوی باشد که عرفاً "معاونت بر آن صدق نماید مثل این که شخص ظالمی برای ایراد ضرب مظلومی از فردی تقاضای عصا کند و او هم بدهد و یا برای نوشتن مطلب ظالمانه ای قلمی طلب کند و او اجابت نماید.

بنابراین، از دیدگاه مرحوم محقق اردبیلی شرط تحقق معاونت قصد مجرمانه است و در صورتی که معاون فاقد قصد باشد، لاقلاً باید عمل ارتكابی او به نحوی باشد که عرفاً بتوان گفت معاونت صورت گرفته است. به عبارت دیگر، معاونت عرفی برای تحقق معاونت در جرم کافی است ولو آنکه قصد معاونت هم نباشد. لذا، در مثال فوق الذکر کسی که عصا را در اختیار ظالمی قرار می‌دهد معاون است ولو آن که قصد ترتب ضرب بر عمل خود را نداشته و یا امیدوار باشد و یا حتی آرزو کند که ظالم پشیمان شده و از آن استفاده ننماید.

شرط هفتم: قصد معصیت

آیا در صدق اعانت بر اثم قصد معصیت لازم است یا خیر؟

محقق کرکی می‌فرماید بلی قصد لازم است. گفته ایم اگر قصد شرط نباشد و علم کافی باشد لازم می‌آید بسیاری از معاملات نامشروع باشد. بنابراین، باید قصد صرف معصیت را داشته باشد تا اعانة بر اثم محقق شود.

امام خمینی قدس سره الشریف در مکاسب این اشکال را از صاحب فصول مطرح می‌فرمایند و پس از آن راجع به معامله با کفار می‌فرمایند: کفار اکثرًا قاصر هستند نه مقصر، عوام آنها قاصرند و خواص (علماء) آنها نیز قاصرند. اما عوامشان هرچند در واقع مکلف به اصول و فروع هستند لیکن چون یقین دارند و اعتقاد دارند به دین خودشان و درستی عقیده شان و احتمال نمی‌دهند که دین غیر از دینشان حق است بنابراین تکلیف در حق ایشان به مرحله تنجیز نمی‌رسد. تنجیز تکلیف به این است که احتمال دهد مکلف است و چنین احتمالی هم نمی‌دهند. لذا، ایشان قاصرند و چون قاصرند معامله ای که می‌کنند خودشان را اثم و گناه کار نمی‌دانند. لذا،

معامله با ایشان اعانة بر اثم نیست و علماء ایشان هم بر اثر حضور در محیط فاسد حکم عوام ایشان را پیدا می‌کنند. بلی اگر علماء ایشان بدانند که دین اسلام بر حق است و توجه به دلیل های مبرهن آن نداشته باشند در این صورت عمل او حرام است و اعانة به چنین عملی حرام خواهد بود.

خلاصه کلام امام قدس سره این است که عمل پایع در فروختن جنس به کفار اعانة بر اثم نیست زیرا معان قاصر است و عمل او اثم محسوب نمی‌شود.

به نظر می‌رسد که فرق است بین برخی از کفار با برخی دیگر آنها که تحت ذمه اسلام هستند. فرض قاصر بودنشان دور از ذهن است و باید ایشان را مقصر دانست. بنابراین، خرید و فروش با ایشان اعانة بر اثم محسوب می‌شود، لیکن آنها که تحت ذمه اسلام نیستند و حقانیت اسلام را هم نمی‌فهمند، معامله با ایشان حکم اعانة بر اثم نخواهد داشت.

شرط هشتم: توافق بین معین و معان در قصد

آیا در تحقق معاونت توافق بین معین و معان در قصد لازم است نسبت به صدق معاونت یا خیر؟

اگر مراد وحدت قصد باشد بین معین و معان ولو آنکه تبانی نباشد می‌توان گفت شرط تحقق معاونت محقق شده است.

بلی تبانی شرط نیست گرچه برخی از حقوقدانان شرط دانسته اند، لیکن مرادشان از تبانی همان توافق در قصد است.

تبانی لازم نیست زیرا اگر توافق انفاقی هم در قصد پیدا شود در صدق معاونت صدق می‌کند. مانند آن که شخصی اسلحه به زید بدهد که عمرو را بکشد ولی پسر زید عمرو را با همان اسلحه به قتل برساند. در این صورت بین معین و معان توافق انفاقی صورت گرفته است و همین کفایت می‌کند.

آنها که وحدت قصد را در معاونت شرط می‌دانند دو دسته اند:

- ۱- وحدت شرعیه کافی است.
- ۲- وحدت شخصیه بین قصد مجرمانه معین و معان شرط است.

به نظر می‌رسد وحدت شخصی شرط است.

وقتی اسلحه را به زید داد تا عمرو را بکشد لیکن زید مرتکب نشد بلکه پسر زید عمرو را با آن اسلحه به قتل رساند وحدت شخصی محقق شده است درست مثل موردی که اسلحه به زید بدهد که هر کس را که می‌تواند بکشد.

لیکن اگر معین قصد داشت معان با آن اسلحه عمرو را بکشد لیکن او بکر را کشت وحدت شخصی محقق نشده است پس عمل معین، معاونت محسوب نمی‌شود.

شرط نهم: وجودی (مثبت) بودن عمل معاون

آیا در صدق معاونت شرط است که عمل معین، عمل مثبت خارجی باشد (وجودی باشد) نه امری عدمی؟

مسلم چنین شرطی لازم است زیرا بر ترک فعل معاونت صادق نخواهد بود نه از نظر لغت و نه از نظر عرف و نه از نظر فقها.

بخش دوم: تعریف معاونت در جرم از نظر حقوقی

از نظر حقوقی معاونت در جرم را می‌توان به صورت ذیل تعریف نمود گرچه قانونگذار معاونت در جرم را تعریف نکرده است:

معاونت در جرم عبارت است از همکاری با فاعل یا شریک جرم به یکی از صور معینه قانونی، بدون مداخله در عملیات اجرایی جرم، قبل یا مقارن با وقوع آن.^{۲۶}

تذکر این نکته لازم به نظر می‌رسد که:

مجرمانه بودن عمل اصلی شرط تحقق معاونت است. بدین معنا که رکن قانونی معاونت در جرم آن است که مباشر عمل، عملش مجرمانه باشد تا فعل شخص کمک کار معاونت محسوب شود. البته ممکن است فعل معاون فی نفسه جرم محسوب شود و ممکن است فعل او جرم نباشد.

وجه تمایز معاون با شریک جرم از حیث ماهیت عمل مجرمانه

اگر دو نفر یا بیشتر دخالت مستقیم در تحقق یک جرم داشته باشند، به صورتی که عمل هر کدام تأثیر در تحقق ماهیت جرم داشته باشد در این صورت اینان شریک جرم محسوب می‌شوند.

اما همان گونه که در سابق ذکر شد، معاونت در جرم در صورتی تحقق می‌یابد که شخص معاون دخالت در اصل تحقق جرم ندارد بلکه مقدمات کار مجرم را فراهم می‌سازد.

لازم به ذکر است که در برخی قوانین شرکت در جرم را با معاونت خلط نموده است به عنوان مثال به برخی قوانین ذیلاً اشارتی خواهیم داشت:

قانون جزایی مصر در ماده ۴۰

در موارد ذیل مجرم شریک در جرم محسوب می‌شود:

۱- هر کسی دیگری را به ارتکاب عملی که موجب تکوین فعل مجرمانه می‌شود تحریک نموده و فعل مجرمانه بر اساس تحریک مذکور متحقق شود. به نظر می‌رسد که مقنن باید می‌گفت سبب نه شریک، تحریک تسبیب است و حتی صدق معاونت هم بر آن دشوار به نظر می‌رسد.^{۲۷}

۲- هر کس با دیگری بر ارتکاب جرمی توافق نموده و آن را بر اساس توافق یاد شده انجام دهد و بعد بر اساس توافق یاد شده جرم ارتکاب می‌یابد.

به نظر می‌رسد اگر توافق هم بین دو نفر تحقق پیدا کرده است ولی بر اساس توافق جرم ارتکابی تحقق پیدا نکرد نمی‌توان گفت شرکت تحقق پیدا نکرده است بلکه این قسمت از قانون می‌خواهد بگوید شرکت در وقتی است که تبانی قبلی مطرح باشد و حال آن که درست به نظر نمی‌رسد زیرا توافق قبلی در تحقق شرکت در جرم دخالتی ندارد.^{۲۸}

۲۷- متن درس استاد مرعشی شوشتری، فقه جزایی.

۲۸- متن درس استاد مرعشی شوشتری، فقه جزایی.

۳- هر کس که در اختیار یک یا چند نفر اسلحه یا ابزار دیگری قرار دهد که آگاهی به کشندگی و جرم را بودن این ابزار دارد شریک جرم محسوب می‌شود و در ارتکاب جرم موثر بوده و یا مکمل و متمم جرم محسوب می‌شود.

به نظر می‌رسد ماده ۴۰ قانون جزایی مصر همان گونه که در بندهای ۱ و ۳ مشهود است، معاون را شریک در جرم دانسته است. قانون مجازات اسلامی شرکت در جرم را تعریف نموده است لیکن تعریفی از معاونت در جرم ارائه نکرده است.

ماده ۴۲: هر کس که عمداً با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرایم قابل تعزیر یا مجازات های بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد یا نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد یا متفاوت، شریک در جرم محسوب می‌شوند.

تعریف بالا شرکت در جرم است ولیکن معاونت در جرم در قانون مجازات اسلامی تعریف نشده است. حتی در قوانین سابق هم تعریفی از معاونت به چشم نمی‌خورد.

لکن شعبه دوم دیوان عالی کشور حکمی دارد که منظور از معاونت را روشن ساخته است: (حکم شماره ۲۴۱۸-۲۸/۱۰/۶۸)

اشخاصی هستند که اقدامی در اصل عمل یا شروع آن نکرده اند، بنابراین اگر چندین نفر در ارتکاب جرمی دخالت کنند و آن جرم را شخصاً انجام دهند یا شروع به اجرای آن نمایند، مجرم اصلی هستند نه معاون.

البته لازم به ذکر است که اگرچه قانون مجازات اسلامی معاونت در جرم را تعریف ننموده است لیکن در برخی مواد قانون موارد معاونت را برشمرده است.

در ماده ۲۱ مجازات اسلامی آمده است:

در جرایم قابل تعزیر اشخاص زیر معاون جرم محسوب و تعزیر می‌شوند:

۱- هر کس بر اثر تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع کسی را مصمم به ارتکاب جرم نماید و یا بوسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

۲- هر کسی با علم و اطلاع وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

۳- هر کس عاملاً "عامداً" وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره: برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدیم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است.

اما از آنجا که متن ماده ۳۱ موارد معاونت را منحصرأً مختص جرایم قابل تعزیر دانسته است مقنن قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۰ ه.ش. در مواد ۴۳ تا ۴۵ قانون اخیرالذکر آن ماده را فسخ کرده و موارد آن را توسعه داده است.

ماده ۴۳: اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تأدیبات از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می‌شوند.

۱- هر کسی دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا بوسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.

۲- هر کس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.

۳- هر کس عالماً، "عامداً" وقوع جرم را تسهیل کند.

تبصره ۱: برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است.

تبصره ۲: در صورتی که برای معاونت جرمی مجازات خاصی در قانون یا شرع وجود داشته باشد همان مجازات اجرا خواهد شد.

روشن می‌شود که مقنن قانون مجازات اسلامی سال ۷۰ ه.ش. متعرض ایراد شده و محدودیت معاونت به جرایم قابل تعزیر را حذف نموده و طی ماده ۴۳ آن را به کلیه جرایم اعم از تعزیری، حدود و قصاص تعمیم داده است.

و در تبصره ۲ هم مصادیق خاصی از معاونت را که برای آنها مجازات خاص در قانون یا شرع پیش بینی شده از ذیل عنوان کلی تعزیر خارج نموده است.

منظور از وحدت قصد که در تبصره ۱ آمده است همان تبانی و تفاهم بر ارتکاب جرم توسط مجرم اصلی است.

حقوقدانان نیز توافق معین و معان را بر ارتکاب جرم لازم می‌دانند که مرادشان همان وحدت قصد است.

ملاک تشخیص فاعل اصلی و معاون جرم

برای تشخیص فاعل اصلی از معاون جرم دو ضابطه که عبارتند از ضابطه عینی و ذهنی ارائه شده است:

در نظریه عینی یا موضوعی بر نحوه عمل و کیفیت مداخله مجرمین اصلی و معاونین ایشان، در ارتکاب جرم توجه نموده و اگر آن قسمت از اعمال انجام شده داخل تعریف قانونی جرم و یکی از عناصر تشکیل دهنده آن باشد اعم از این که فعل انجام شده یا شروع به اجرا تلقی شود، مرتکب، فاعل اصلی و در صورتی که عمل انجام شده صرفاً به شکل تهیه مقدمات یا به یکی از صور معینه قانونی، محدود به تشویق و ترغیب و تسهیل ... باشد به طوریکه ارتباطی به عنصر مادی سازنده جرم نداشته باشد، مرتکب معاون جرم محسوب می‌شود.

برای نظریه ذهنی یا شخصی به وضعیت ذهن و روان مجرم توجه می‌شود. لذا، کلیه افرادی که عمل آنها به طور مسلم نشان دهنده قصد ارتکاب جرم بوده و می‌خواهند در تحقق اعمال مادی جرم همکاری یا شرکت کرده و عامل اصلی قرار گیرند، فاعلی اصلی نامیده می‌شوند و برعکس کسانی که بخواهند تنها نقش کمک و مساعدت داشته باشند نه نقش موثر و قاطع، آنها معاون مجرم محسوب می‌گردند.^{۲۹}

می‌توان گفت که قانونگذار ایران نظریه عینی را بر ضابطه دوم ترجیح داده و در تفکیک میان معاون و مباشر بر نوع عمل آنها توجه نموده است.

استعاره مجرمیت در بحث معاونت در جرم

آیا معاونت در جرم خود به تنهایی جرم مستقلی محسوب می‌شود یا از جرمی که با همکاری معاون صورت گرفته قرض گرفته می‌شود؟ در مورد این سوال دو پاسخ جداگانه و دو عقیده وجود دارد:

۱- سیستمی که معاونت را جرم مستقل می‌داند:

سیستم مذکور قائم بر این فکر است که وقتی چند نفر مرتکب جرم می‌شوند به تعداد شرکت کنندگان جرایم مستقل بوجود می‌آید. بنابراین، تشخیص مجرمین اصلی از معاونین مورد ندارد و باید مسئولیت هر یک منفرداً^{۳۰} مورد بررسی قرار گیرد.

برخی از حقوقدانان و خصوصاً طرفداران مکتب تحقیقی چنین استدلال می‌کنند:

باید به شخصیت خطرناک مجرم نظر افکند و مجازات معاون، صرف نظر از مجازات مجرم اصلی یا اقدام تأمینی که تعیین می‌شود باید متناسب با خطری باشد که شخص یعنی معاون جرم برای اجتماع دارد^{۳۱}.

۲- سیستم استعاره مجرمیت: علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سیستم استعاره مجرمیت که از آن به مجرمیت استعاره ای یا معاونت عاریه ای و امثال آن یاد می‌شود عبارت از این است که، معاونت یک عنوان مجرمانه مستقل نیست بلکه امری فرعی و تبعی است. لذا، تحقق آن مستلزم وجود فعل مجرمانه اصلی است تا معاون عنصر قانونی عمل خود را از آن فعل عاریت بگیرد.

لازم به ذکر است که استعاره مجرمیت بر دو قسم است:

۱- استعاره مطلق مجرمیت

۲- استعاره نسبی مجرمیت

۳۰- حقوق جنایی، عبدالحسین علی آبادی، ج ۱، ص ۲۸۵.

۳۱- حقوق جزای عمومی، پرویز صانعی، ج ۲، ص ۲۸۱.

الف: اصل تساوی مجازات مجرم اصلی و معاون مجرم استعاره مطلق مجرمیت نامیده می‌شود.

علت موجهه این نظر را هم این طور بیان کرده اند که چون معاونین و بزه‌کاران اصلی دارای اتحاد نظر و وحدت هدف می‌باشند، لذا مجازاتشان واحد است.

ب: استعاره نسبی مجرمیت: در این سیستم مجازات معاون متناسب با مجرم اصلی است ولی میزان آن کمتر و عموماً تا یک درجه کاهش یافته است^{۳۲}. زیرا که نقش معاون جرم کمتر از مجرم اصلی است.

با توجه به صدر ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی می‌توان دریافت که قانونگذار اصولاً از سیستم استعاره نسبی مجرمیت استقبال نموده است.

عناصر و ارکان معاونت در جرم

تحقق معاونت در جرم شرایطی دارد که ذیلاً می‌آوریم:

- ۱- مجرمانه بودن عمل اصلی یا عنصر قانونی معاونت؛
- ۲- تحقق عنصر مادی معاونت به یکی از اشکال معینه قانونی، مقدم یا مقارن با جرم اصلی؛
- ۳- وجود رابطه سببیت میان فعل و جرم اصلی؛
- ۴- تحقق عنصر روانی معاونت یا توافق اراده و وحدت دو قصد (قصد مجرمانه عامل و قصد معاون جرم).

مبحث اول: مجرمانه بودن عمل اصلی

برای آن که بتوان شخصی را به عنوان معاون جرم مجازات نمود، لازم است فعل ارتكابی فعل اصلی تحقق یافته باشد و یا لااقل شروع به جرم نموده باشد زیرا فعل معاون به خودی خود عاری از خصیصه مجرمانه بودن است.

لذا، معاون در صورتی قابل مجازات است که عمل مجرمانه ای موجود باشد و معاون براساس مصادیق تعیین شده قانونی با مجرم اصلی همکاری نماید و بین آن دو عمل ارتباط و وابستگی وجود داشته باشد.

مبحث دوم: رکن مادی معاونت در جرم

برای تحقق معاونت در جرم وقوع جرم اصلی به تنهایی کافی نیست بلکه لازم است تا شخص معاون به یکی از طرق معینه قانونی با مجرم اصلی مساعدت عمل نماید یعنی مرتکب عمل مثبت مادی خارجی به یکی از صور مصرحه در قانون مقدم یا مقارن با عمل اصلی شود. در این صورت است که رکن مادی معاونت در جرم تحقق یافته و معاون مستحق مجازات است.

بنابر تعریف فوق فعل منفی یا سلبی از قبیل سکوت و یا عدم اقدام برای جلوگیری از ارتکاب جرم نمی‌تواند محقق عنصر مادی معاونت در جرم باشد.

و نیز برای تحقق معاونت عملی را که معاون در مقام اجرا به آن مبادرت می‌ورزد می‌بایست در خارج به طور کامل ظاهر شود. یعنی از مرحله شروع فراتر رفته و کامل شده باشد تا بتوان معاون را مجازات نمود. بر این اساس بین حقوقدانان مشهور است که: "معاونت شروع به جرم قابل مجازات است ولی شروع به جرم معاونت مجازات ندارد"^{۳۳}.

مطلب دیگری که از تعریف فوق بدست می‌آید این است که تقدم یا تقارن زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است. بنابر این اگر عمل شخص پس از ارتکاب جرم اصلی اتفاق بیافتد، معاونت در آن جرم محسوب نمی‌شود. اگرچه می‌تواند به خودی خود جرم و یا معاونت در جرم دیگری باشد. به عنوان مثال اگر شخصی پس از قتل، جنازه مقتول را مخفی کند، عمل او معاونت در جرم قتل محسوب نمی‌شود. اگرچه اختفاء جنازه مقتول جهت سرپوش گذاشتن به جرم خودش فی نفسه جرم است و قابل مجازات می‌باشد.

بنابر این، می‌توان گفت معاونت از نظر زمانی سه تصویر دارد:

۱- معاونت قبل از عمل

۲- معاونت مقارن عمل

۳- معاونت پس از عمل

تنها در مورد اخیر است که قوانین کشورها با یکدیگر تفاوت دارند و قانون مجازات اسلامی در تبصره ۱ ماده ۴۳ مصوب ۱۳۷۰ همکاری پس از وقوع جرم اصلی را از مصادیق معاونت خارج نموده است و همچنین مقرر نموده است: " برای تحقق معاونت در جرم ... تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است."

مصادیق معاونت در جرم در قانون جزا

ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی چنین مقرر می‌دارد:

اشخاص زیر معاون جرم محسوب می‌شوند:

- ۱- هر کس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا بوسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود.
- ۲- هر کس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارائه دهد.
- ۳- هر کس عالماً، عامداً وقوع جرم را تسهیل نماید.

مصادیقی راکه ماده فوق‌الذکر برشمرده است می‌توان به صورت ذیل دسته —

بندی نمود:

۱- تحریک

۲- ترغیب

۳- تهدید

۴- تطمیع

۵- دسیسه و فریب و نیرنگ

۶- تهیه وسایل ارتکاب جرم

۷- ارائه طرق ارتکاب جرم

۸- تسهیل وقوع جرم

از یک نظرگاه کلی می‌توان معاونت در جرم را به دو نوع مادی و معنوی قابل تقسیم دانست.

تهدید و تطمیع و دسیسه و نیرنگ و ارائه طرق ارتکاب جرم از مصادیق معاونت معنوی می‌باشند و تهیه و واگذاری وسایل و همین‌طور تسهیل وقوع جرم قبل یا مقارن با عمل از مصادیق معاونت مادی محسوب می‌شوند.

۱- تحریک

نخستین شکل همکاری مجرمانه که به عنوان معاونت در جرم اعلام شده، تحریک به ارتکاب جرم است. واژه تحریک از سوی مقنن تعریف نشده، لذا معنی و مفهوم آن در حقوق جزای ایران مشخص نیست. به همین جهت باید شرایط تحقق و اشکال مختلفه تحریک و احکام و آثار آن و دیگر مسایل مربوطه را با استناد به اصول و قواعد کلی حاکم بر حقوق جزا خصوصاً "با توجه به رویه محاکم و آراء دیوان عالی کشور و سابقه تاریخی تقنینی مشخص نمود.

تحریک یا تحریض ممکن است به دو شکل انجام گیرد، گاه شخص اراده و تصمیم ارتکاب جرم را در ذهن دیگری خلق و ایجاد نماید و از این طریق فکر و اندیشه ارتکاب جرم را در دیگری بیدار می‌کند. در اینجا فکر ارتکاب جرم در ذهن معاون وجود دارد ولی خود او از انگیزه کافی برای ارتکاب جرم برخوردار نیست. نتیجتاً آن را به ذهن و فکر مرتکب اصلی منتقل ساخته و او را به ارتکاب جرم برمی‌انگیزد. و گاه شخص را که متمایل به ارتکاب فعلی است به انجام فعل مورد نظر تشویق و ترغیب می‌نماید. در اینجا برخلاف حالت قبل، فکر ارتکاب جرم به نحو مترزلی در ذهن مرتکب اصلی وجود دارد اما برای ارتکاب جرم کافی نیست. لذا، معاون "با ایجاد اطمینان خاطر و با قول به مساعدت در مواقع لزوم همچون دفاع در دادگاه یا نگهداری از خانواده او و غیرنژک وی را به ارتکاب جرم مصمم

می‌سازد"^{۳۴}. بدیهی است در صورتی که مرتکب اصلی خود از قبل دارای انگیزه و اراده کافی برای ارتکاب جرم باشد، در اینجا تحریک معنی و مصداق خود را از دست خواهد داد. نویسنده کتاب معاونت در جرم می‌نویسد: "در واقع شکل اخیر تحریک بزه معاونت در جرم را بوجود می‌آورد"^{۳۵}. حال آن که گفته شد شکل اخیر با ترغیب به ارتکاب جرم منطبق است نه تحریک. زیرا در ترغیب زمینه و هسته اولیه ارتکاب جرم در ذهن مرتکب اصلی موجود است و معاون آن را تقویت و تکمیل می‌نماید.

بنابراین، تحریک عبارت از خلق و ایجاد اراده و تصمیم ارتکاب جرم در دیگری است.

اول - اقسام تحریک: تحریک انواع مختلف دارد و ممکن است به صور گوناگونی واقع شود. تحریک ممکن است مستقیم یا غیرمستقیم باشد. در عین حال تحریک ممکن است فردی یا جمعی باشد.

دوم - شرایط تحقق تحریک: تحریک باید علاوه بر شرایط عمومی رکن مادی معاونت در جرم، دارای چند شرط اختصاصی نیز باشد. ذیلاً به تعدادی از شرایط عمومی و اختصاصی آن اشاره می‌شود:

اولاً - باید محرک از طریق تحریک، فکر و اراده ارتکاب جرم را در شخص مباشر ایجاد نماید والا چنانکه گفته شد اگر مجرم از قبل دارای انگیزه کافی باشد موضوع تحریک تحقق نخواهد یافت. ضمن آن که این تحریک باید به حکم عقل مقدم بر فعل اصل بوده و به علاوه از طریق فعل مثبت باشد نه منفی.

ثانیاً - "محرک باید با قصد و اراده مجرمانه دیگری را تحریض و تحریک به ارتکاب جرم معینی نماید، زیرا تحریک به ارتکاب جرم خواه در موردی که به عنوان یکی از طرق معاونت محسوب می‌شود و خواه زمانی که جرم خاص و مستقلی را تشکیل می‌دهد می‌بایستی توأم با سوءنیت باشد"^{۳۶}.

۳۴- قانون العقوبات، ابو عامر محمد زکی، ص ۳۰۲.

۳۵- معاونت در جرم، منوچهر حمیدی، ص ۱۱.

۳۶- معاونت در جرم، منوچهر حمیدی، ص ۱۱.

ثالثاً - " تحریک باید نسبت به ارتکاب جرم یا جرایم معینی صورت گیرد" ۳۷. البته لازم نیست از سوی محرک نحوه ارتکاب جرم دقیقاً ذکر شده باشد، بلکه صرف تحریک کفایت می‌نماید.

رابعاً - تحریک باید موثر باشد. به عبارت دیگر باید میان " تحریک" و نتیجه مجرمانه اصلی رابطه سببیت عرفی موجود باشد. یعنی تحریک در صورتی جرم تلقی می‌شود که به حد و اندازه ای باشد که عملاً در مجرم اصلی تأثیر گذاشته و به ارتکاب جرم یا لااقل شروع به جرم از ناحیه وی منتهی شود.

خامساً - نظر غالب حقوقدانان آن است که تحریک باید مستقیم باشد یعنی معاون صریحاً خواستار ارتکاب جرم از ناحیه دیگری باشد. لذا، صرف اظهار عواطف یا بیان بغض و کینه و یا صحبت کردن از امکان یک جرم و امثال آن تحریک محسوب نمی‌شود ولو آن که منتهی به ارتکاب جرم گردد. چه آنکه در اینجا شخص خواهان وقوع جرم نبوده و وحدت قصد موجود نمی‌باشد.

۲- ترغیب

ترغیب یعنی به رغبت آوردن و راغب کردن و رغبت یعنی علاقه، میل و آرزوست. ترغیب نوعی از تحریک، و مرتبه خفیف تری از آن می‌باشد. در تحریک، شخص محرک تلاش می‌کند تا فکر و اراده ارتکاب جرم را در دیگری ایجاد نماید، لیکن در ترغیب شخص می‌کوشد تا از راههای گوناگون میل به ارتکاب جرم را که در دیگری موجود است تقویت نموده و او را به ارتکاب جرم مصمم سازد. لذا، می‌توان گفت، ترغیب، تشدید میل و رغبت به ارتکاب جرم در دیگری است. بنابراین، ایجاد میل و رغبت به ارتکاب جرم نوعی معاونت می‌باشد.

برای آن که ترغیب به ارتکاب جرم قابل مجازات باشد باید واجد شرایط لازم باشد از آن جمله باید موثر بوده و نتیجه مجرمانه ای هم بر آن مترتب گردد.

۳- تهدید

تهدید ترساندن و بیم دادن است. یعنی شخص از طریق ایجاد ترس جانی یا

مالی یا حیثیتی برای دیگری او را به ارتکاب جرم وادار نماید. همچنانکه در مبحث اکراه و اجبار آمده، تهدید از مصادیق بارز اجبار معنوی است. لیکن برای تحقق آن شرایط چندی لازم است از جمله آن که باید عمل انجام شده عرفاً تهدید محسوب شود و به علاوه عمدی باشد، زیرا "تهدید غیر عمدی وجود ندارد"^{۳۸}. همچنین تهدید باید غیرقانونی و نامشروع باشد و موجب سلب کامل آزادی اراده گردد. تهدید امری نسبی و بستگی به اوضاع و احوال تهدید کننده و تهدید شده از قبیل خصوصیت روحی و جسمی و سن و شخصیت و اخلاق و جنس آنها دارد و باید به نحوی باشد که عرفاً تهدید تلقی شود. تشخیص آن در هر مورد خاص بسته به نظر دادگاه است.

۴- تطمیع

تطمیع به معنی به طمع انداختن، حریص و آزمند ساختن و برانگیختن حس نفع طلبی است. تطمیع خود نوع خاصی از ترغیب است با این تفاوت که در تطمیع انگیزه ای که موجب مصمم کردن مجرم اصلی به ارتکاب جرم می‌شود صرفاً جنبه مالی و مادی دارد. مثل این که قبل از وقوع جرم، مبلغی به او داده یا قول وجهی را به او می‌دهد و همین طور وعده انعقاد قرارداد پروژه ای را به او پیشنهاد می‌نماید. در حالی که در ترغیب وسیله ای که از طریق آن انگیزه ارتکاب جرم تشدید می‌شود می‌تواند جنبه مالی و غیرمالی داشته باشد.

۵- دسیسه و فریب و نیرنگ

هرگاه معاونت در جرمی از طریق مکر و حيله پنهانی انجام شود، آن را معاونت از راه دسیسه نامند و الا معاونت به وسیله "فریب و نیرنگ" خواهد بود.

همان گونه که بیان شد، از شرایط معاونت آن است که جرم اصلی واقع شود. در اینجا نیز به صراحت ماده مرقوم، دسیسه و فریب و نیرنگ، در صورتی به عنوان معاونت قابل مجازات محسوب می‌گردد که "موجب وقوع جرم شود"، اعم از آن که مستقیماً در مباشر جرم موثر واقع شود یا خیر. لذا، چنانچه شخصی که

می‌داند عده ای در صدد سرقت از منزل حسن هستند به منزل او برود و با او گرم صحبت شود و یا او را به خارج از منزل دعوت نماید تا این عمل به سارقین فرصت ارتکاب سرقت را بدهد، به عنوان معاون قابل مجازات خواهد بود ولو آن که هیچگونه اتفاق و ارتباطی هم میان آنها وجود نداشته باشد.

۶- تهیه وسایل ارتکاب جرم

بند ۲ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی متضمن دو نوع از مصادیق معاونت، شامل "تهیه وسیله" و دیگر "ارائه طرق" ارتکاب جرم است.

در واقع یکی از راههای مساعدت مادی مسبوق به ارتکاب جرم، تهیه آلات و ادوات جرم است. اگرچه اصولاً نخستین مفهومی که از "وسيله" به ذهن متبادر می‌شود و همچنین بیشترین نوع وسیله ای که عملاً در امر معاونت در جرم، مورد استفاده قرار می‌گیرد، وسیله منقول است. لیکن کلمه "وسایل" مذکور در بند ۲ اطلاق داشته و شامل وسایل منقول و غیرمنقول می‌گردد. وسیله منقول از قبیل کلید و اسناد معقول، سم، آلت قتاله، تفنگ، وسیله نقلیه و ... و وسیله غیرمنقول شامل تهیه و واگذاری مکان ارتکاب جرم به مجرم یا مجرمین اصلی می‌باشد. برای مثال ماده ۷۱ قانون مجازات اسلامی صراحتاً تهیه مکان وقوع جرم را معاونت محسوب نموده است. ماده مرقوم مقرر می‌دارد "هر کس از مقامات یا مأمورین دولتی یا قوای سه گانه یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که قانون جلب و توقیف اشخاص را تجویز نموده شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفاً در محلی مخفی نماید به شش ماه تا سه سال حبس محرومیت از خدمات دولتی محکوم می‌شود. کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مزبور مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت یا مرتکب نموده باشد به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه یا ... محکوم خواهد شد...".

برای این که تهیه وسایل ارتکاب جرم معاونت تلقی شود لازم است تا معاون ولو به نحو اجمال، از قصد مجرمانه مرتکب اصلی "علم و اطلاع" داشته باشد، یعنی بداند مرتکب از این وسیله برای ارتکاب جرم استفاده خواهد کرد. بنابراین، اگر شخصی سلاح خود را برای شکار قرض دهد و شخص دریافت کننده سلاح از آن برای قتل ثالثی استفاده کند صاحب سلاح معاون در جرم قتل نخواهد بود. "در

معاونت تهیه وسایل لازم نیست که رابطه مستقیم و فوری بین مجرم اصلی و معاون وجود داشته باشد. کسی که اطلاعات لازمه یا وسایل ارتکاب جنایت را به مجرم می‌دهد ممکن است از شخص ثالثی کسب کند، شخص ثالث هم اگر به جریان کار واقف باشد معاون تلقی می‌شود^{۳۹}.

شرط دیگر معاونت از طریق تهیه وسایل ارتکاب جرم، آن است که مجرم از وسیله مزبور در اجرای اهداف خود استفاده نماید. به عبارت دیگر، دریافت کننده وسیله، با استفاده از آن مرتکب جرم یا لااقل شروع به جرم شده باشد، در غیر این صورت معاونت تحقق نخواهد یافت. به عبارت دیگر هرگاه دریافت کننده وسیله مرتکب هیچگونه عمل مجرمانه نشود و یا با استفاده از وسیله مزبور نشود، برای مثال کسی تفنگ خود را برای ارتکاب قتل به دیگری بدهد ولی فاعل با استفاده از چاقو مرتکب قتل شود معاونت محقق نخواهد شد. علی هذا، معاونت از طریق تهیه وسایل ارتکاب جرم مستلزم تحقق سه شرط شامل تهیه وسیله، قصد مساعدت و تسهیل وقوع جرم و در پایان استعمال آن در اجرای جرم می‌باشد.

۷- ارائه طریق ارتکاب جرم

مقصود از "ارائه طریق" عبارت از ارشاد، راهنمایی و ارائه راه و روش ارتکاب جرم است. در اینجا راهنمایی و ارائه طریق، نوعی مساعدت معنوی است و شامل هر نوع اطلاعاتی است که به نحوی از انحاء مباشر را بر نحوه ارتکاب جرم یا بر وسایل و ادوات آن یا بر نحوه استفاده از وسایل مزبور آگاه می‌سازد.

برای مثال، در جرم سرقت آگاه نمودن سارق از محل وجود اموال مورد نظر یا نحوه ورود به منزل و کیفیت باز کردن قفل‌ها... و یا در جرم قتل آگاهانیدن مجرم از محل استراحت مجنی علیه یا ساعت و مسیر حرکت او و ... می‌تواند ارائه طریق محسوب شود.

ارائه طریق، همچون "تهیه وسایل ارتکاب جرم" اصولاً قبل از وقوع جرم انجام می‌شود و همچنانکه می‌تواند شفاهی باشد می‌تواند کتبی یا عملی و از طریق ایما و اشاره صورت گیرد. البته باید روشن و برای ارتکاب جرم باشد.

"تعلیمات مبهم معاونت محسوب نمی‌شود"^{۴۰}. به علاوه باید این گونه ارشادات در وقوع جرم موثر بوده و مجرم را در ارتکاب جرم یاری نماید. بنابراین، اگر جرم اصلی واقع نشود و یا حداقل وارد مرحله شروع به جرم نگردد و یا مجرم از راهنمایی‌های انجام شده در طریق ارتکاب جرم استفاده ننماید، معاونت قابل مجازات نخواهد بود "چه آن که طریق فی حد ذاته جرم محسوب نمی‌شود، لذا اگر کسی به سارق نحوه ورود به منزل مورد نظر را از درب اضطراری راهنمایی کند، ولی سارق در آخرین لحظه از تصمیم خود منصرف شده از راه دیگر، یا به کیفیت دیگری بر مال مستولی شود معاونت در جرم سرقت محقق نخواهد بود"^{۴۱}.

۸- تسهیل وقوع جرم

هشتمین و آخرین مصداق از مصادیق معاونت قابل مجازات، تسهیل وقوع جرم است. در این خصوص بند ۳ ماده ۴۳ قانون مجازات اسلامی مقرر می‌دارد "هر کس عالماً، عامداً" وقوع جرم را تسهیل کند". تسهیل وقوع جرم، در واقع یکی دیگر از راههای مساعدت به ارتکاب جرم است که اصولاً هم زمان با آن صورت می‌گیرد. "تسهیل وقوع جرم می‌تواند مصادیق و صور مختلفی داشته باشد کما اینکه در جرم واحد نیز می‌تواند به اشکال مختلف انجام شود، تا جایی که امکان احصاء تمامی اقسام آن غیرممکن می‌نماید"^{۴۲}.

برای مثال "کسی که برای فروش اتومبیل دیگری در کیلومترشمار آن دخل و تصرف کرده تا آن را برای کلاهبرداری مناسب سازد و در نتیجه ارتکاب این جرم را تسهیل نماید، معاون در جرم کلاهبرداری محسوب می‌گردد"^{۴۳}.

برای تحقق این مصداق از معاونت، چند شرط لازم است. نخست آن که معاون اموری را که عرفاً تسهیل وقوع جرم نامیده می‌شود انجام دهد و دیگر اینکه این امور عالماً، عامداً" و در جهت تسهیل وقوع جرم صورت گیرد. یعنی با علم و اطلاع از این که جرمی در حال وقوع است در اجرای عملیات مجرمانه کمک و

۴۰- حقوق جزای عمومی، دادیان، ص ۹ (جزوه درسی).

۴۱- مسئولیة الجنایه، مصطفی عوجی، ص ۱۶۲.

۴۲- قانون العقوبات، محمد عوض، ص ۳۷۲.

۴۳- حقوق جزای عمومی، دادیان، ص ۹.

مساعدت کند. چنانکه قبلاً و در بحث از تهیه وسایل جرم گذشت، قانونگذار تسهیل وقوع جرم را در صورتی قابل مجازات می‌داند که عالماً و عامداً صورت گیرد و این بدان جهت است تا مواردی از تسهیل جرم را که به صورت غیر عمدی و جاهلانه انجام می‌گیرد، از مصادیق معاونت خارج نماید. چه آنکه تسهیل وقوع جرم آن گونه نیست که علم و عمد معاون در ارتکاب آن مفروض باشد.

۹- اخفاء

برای مثال هرگاه مالک اتومبیلی با سارق تبانی نماید، که در صورت انجام موفقیت آمیز سرقت، سارق و اموال مسروقه و سایر اشیاء و ادله جرم را به محل امنی منتقل و مخفی سازد، آیا این عمل معاونت در سرقت محسوب می‌شود؟

اخفاء عبارت است از پنهان کردن و نهان داشتن مجرم یا آلات و ادواتی که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده و امثال آن.

در مورد اخفاء، قوانین جزایی کشورهای مختلف رویه‌های گوناگونی اتخاذ نموده‌اند. برای مثال در قانون جزای فرانسه و مصر و ایران، اخفاء به عنوان جرم مستقل تلقی شده، حال آن که مقررات کیفری لبنان و سوریه و ترکیه در صورتی که اخفاء مسبوق به توافق قبل از جرم باشد آن را معاونت والا جرم مستقل قلمداد می‌نمایند.

تبصره ماده ۱۲ ق.م.ج.ن.م.ج.ا.ا. مصوب ۱۳۷۱/۵/۱۸ مقرر می‌دارد " هرگونه همکاری و معاونت با عناصر جاسوس، مانند مخفی نمودن و پناه دادن جرم محسوب و چنانچه عمل مرتکب موجب افساد و اخلال در نظام و یا شکست اسلام گردد، در حکم محارب و در غیراینصورت به یک تا ۵ سال حبس محکوم می‌گردد" ۴۴.

رابطه سببیت میان فعل معاون و جرم اصلی

برخی از حقوق‌دانان معتقدند که میان عمل ارتكابی معاون و نتیجه عمل مجرمانه فاعل اصلی می‌بایست رابطه سببیت عرفی و منطقی موجود باشد و در

صورتی که این رابطه منتفی شود، معاونت وصف مجرمانه خود را از دست داده و در نتیجه قابل مجازات نخواهد بود. مگر آن که قانونگذار بنا به مصالحی، مجازات مرتکب را صرف نظر از ارتکاب یا عدم ارتکاب جرم اصلی ضروری بشناسد.

باید به بررسی ضابطه تشخیص این رابطه بپردازیم:

گفته اند رابطه سببیت باید آنچنان باشد که اگر عمل معاون نبود، جرم اصلی واقع نمی‌گردید و یا لااقل به نحوی که واقع شده است اتفاق نمی‌افتاد.

به عنوان مثال در تحریک به ارتکاب جرم این تشویق و تحریض معاون است که موجب فکر مجرمانه در ذهن مباشر می‌گردد و همین طور در تهیه وسایل و ارائه طریق تسهیل ارتکاب جرم.

بنابراین، می‌توان گفت: رابطه مذکور در صورتی منتفی می‌شود که ثابت شود چنانچه عمل معاون انجام نمی‌شد، جرم اصلی با همان شرایط و کیفیات مزبور در همان زمان و مکان اتفاق می‌افتاد.

رکن معنوی معاونت در جرم

علاوه بر رکن مادی و وقوع جرم اصلی و وجه و رابطه سببیت میان آن دو، لازم است معاون دارای سوءنیت یا قصد مجرمانه نیز باشد.

قصد مجرمانه معاون به حسب معاونت در جرایم عمدی و غیر عمدی متفاوت است. سوءنیت در معاونت عمدی عبارت است از علم و آگاهی معاون از ماهیت و نتایج مترتب بر عمل ارتكابی و تعلق اراده به ارتكاب آن.

بنابراین، عنصر معنوی از دو جزء علم و عمد تشکیل شده است که در صورت فقدان هر یک از این دو جزء معاونت تحقیق نخواهد شد.

مقصود از قصد مجرمانه آن است که معاون علیرغم علم و آگاهی به مجرمانه بودن عمل اصلی با اراده ای آزاد خواستار همکاری با فاعل بوده و خواهان تحقق جرم باشد.

تذکر این نکته لازم است که قصد معاون باید دقیقاً "راجع به انجام جرم یا جرایمی باشد که فاعل در مقام انجام آن است به همین جهت گفته شده است: معاون

تنها نسبت به جرایمی مورد مواخذه قرار می‌گیرد که در محدوده قصد و نیت او قرار می‌گرفته و در مورد جرم یا جرایم احتمالی که خارج از محدوده توافق و تبانی آنهاست مسئول و پاسخگو نمی‌باشد.

به عنوان مثال اگر شخصی که هفت تیر خود را به دیگری می‌دهد تا به منظور اخاذی، شخص ثالثی را مورد تهدید قرار دهد و شخص مباشر به جای تهدید و اخاذی عمداً شخص ثالثی را می‌کشد، به عنوان معاون در قتل قابل مجازات نخواهد بود.

لیکن اگر معاون اسلحه را برای قتل شخص (الف) در اختیار مباشر قرار دهد ولی او با اسلحه شخص (ب) را به قتل برساند، به دلیل آن که در قتل نفس توافق حاصل شده است، به عنوان معاون جرم قتل عمل او قابل مجازات است. اگر سوال شود که آیا معاون نسبت به کلیه جرایمی که مجرم اصلی انجام می‌دهد، پاسخگوست گرچه فراتر از توافق حاصله انجام شود؟

پاسخ داده می‌شود: در مواردی که نتیجه حاصله خفیف تر از جرم مورد توافق باشد، معاون نیز در قبال آن پاسخگو بوده و مجازات خواهد شد، زیرا نتیجه حاصله چیزی است که در ضمن جرم مورد توافق قرار دارد. و اگر نتیجه حاصله سنگین تر از جرم مورد توافق باشد، چنانچه به طور متعارف عمل ارتكابی به روشنی قابل پیش بینی بوده باشد، معاون در جرم مورد نظر نقش معاونت داشته و قابل مجازات خواهد بود والا اگر نتیجه متعارف و قابل پیش بینی نباشد و جرم ارتكابی با جرم مورد توافق کاملاً مغایرت داشته باشد معاون را نمی‌توان از نتایج بدست آمده مورد مواخذه قرار داد.

معاونت در جرایم غیر عمدی

در حقوق جزای ایران، معاونت در جرایم غیر عمدی مورد اختلاف نظر حقوقدانان قرار گرفته و برخی مطلقاً منکر امکان تحقق آن شده اند.

برخی دیگر بدون هیچ قید و شرطی معاونت در جرایم غیر عمدی را قابل تصور دانسته اند و عده ای دیگر با تفکیک در موارد معاونت صرفاً در برخی موارد تحقق معاونت در جرایم غیر عمدی را پذیرفته اند و در برخی دیگر محال دانسته اند.

بر طبق آراء متعدد دیوان عالی کشور معاونت در جرایم غیر عمدی به همین

قدر صدق می‌کند که با علم و اطلاع به این که شخصی در کاری مهارت ندارد یا آن را برخلاف نظامات یا بی احتیاطی است و ممکن است منجر به حادثه خطرناک شود، با آن شخص معاونت کند. بنابراین اگر راننده رل ماشین را به شاگرد خود که می‌دانسته پروانه ندارد و از رانندگی بی‌اطلاع است بدهد و در نتیجه منجر به قتل بر عمد دیگری شود، عمل راننده معاونت و مشمول ماده ۱۷۷ قانون جزای عمومی خواهد بود.

لیکن در سال ۱۳۶۳ سوالی در کمیسیون استفتانات و مشاورین حقوقی شورای عالی قضایی بدین صورت مطرح می‌شود: اگر کسی وسیله موتوری خود را در اختیار شخصی که دارای گواهینامه نیست قرار دهد و بر اثر رانندگی وسیله موتوری واژگون شده و موجب قتل راننده یا شخص ثالثی شود، آیا عمل تهیه کننده وسیله معاونت در قتل غیر عمد بوده یا تنها معاونت در رانندگی بدون پروانه؟

پاسخ شورا به شرح ذیل است:

با توجه به این که در شرایط تحقق معاونت علم و اطلاع تهیه کننده وسایل ارتکاب جرم و علم و عمد تسهیل کننده وقوع جرم و وحدت قصد بین معاون و مباشر جرم منظور گردیده، معلوم می‌شود که در جرایم غیر عمدی معاونت مفهومی ندارد. بنابراین، در مورد استعمال مالک وسیله نقلیه موتوری معاون قتل غیر عمدی محسوب نمی‌شود و ظاهراً فقط مشمول قوانین راهنمایی و رانندگی خواهد بود.